محمد حسین نواب

رستگار، سید محمود

در زاویه‏ای از یزد دور از تزاحم‏ محیط،مردی شریف و کهن‏سال زندگی‏ می‏کرد که قاطبه یزدی‏ها او را بخوبی می- شناختند و از دیدگاه تکریم و احترام و اخلاص باو نگاه می‏کردند.ماجرای یک قرن‏ حیات پرثمر و پرهیاهوی او براستی عبرت‏ آموز و شنیدنی است،اصالت،شرافت‏ شجاعت،شهامت،کرامت،تواضع،فخامت‏ شاهپرستی،وطن‏دوستی،همه محامد صفات‏ و محاسن اخلاقی بویژه خدمات او بملک‏ و ملت تمام به مثابه نقطه‏های روشنی هستند که‏ بر صفحات تاریخ سیاسی و اجتماعی یزد، همواره می‏درخشند.این پیر ادیب و شخصیت‏ محبوب و سیاستمدار مشهور یزد،مرحوم محمد حسین نواب نماینده ادوار سابق مجلس‏ شورای ملی بود.نواب فرزند خلف حاج‏ علی آقای نواب بود که از جمله اعیان و اشراف صاحب داعیه عصر قاجار بشمار می‏رفت.نیای‏ اعلای او صدر الممالک دخترزاده علامهء محمد باقر مجلسی است.

وی در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بعنوان نماینده سیاسی ایران در دربار محمد شاه هندی عزیمت به دهلی کرد و تا هنگام فتح دهلی بوسیله نادر شاه افشار در آن‏ دیار اقامت داشت نادر در اثنای بازگشت بایران صدر الممالک را در التزام خود بایران‏ آورد و با عنایت و توجه مخصوصی که نسبت باو مبذول می‏فرمود فرمان نیابت صدارت را بنام‏ او صادر کرد1فرمان مذکور هم‏اکنون جزء بدایع آثار موروثی در دست است.

(1)-مرحوم عبد الحسین آیتی دربارهء صدر الممالک چنین مینویسد«صدر الممالک در اوائل سلطنت نادر شاه‏ به خدماتی موفق شد که موجب تقرب او گشت از جمله خدماتش این بود که بامر نادر بکشور عثمانی بسفارت فوق العاده رفته،اختلافات چندین ساله را حل و تصفیه کرد و بطوری که‏ دلخواه نادر بود امور را باصلاح آورد ازاین‏رو در دستگاه سلطنت آبرویی بهم رسانید و همواره ملازم رکاب نادر شاه بود و طرف مشورت وی و محل اعتماد و همسفر نادر در سفر هندوستان‏ و بالاخره مردی مشار با لبنان بود و در حسن نیت و انجام وظیفه دولتی قصور نمی‏نمود و بعد از نادر در دوره ملوک طوایف به یزد مهاجرت نمود آقا محمد علی صدر الممالک پس از ورود به‏ یزد در انظار محترم شد و بعد از قتل نادر بر احترامش افزوده یکی از رجال مهم این بلد محسوب شد و عائله مهمی تشکیل داد و طرف توجه مردم شد،سلسله صدر و نواب بدو انتساب‏ دارند و همه از خانواده صدر الممالک خراسانی بوده و هستند و از رجال متعین ایشان در این‏ دیار یکی صدر العلما بود که تا موقع تأسیس سلطنت پهلوی در حیات بود و برای مجلس مؤسسان‏ انتخاب شده بطهران رفت و پس از مراجعت چندان طولی نکشید که بدرود زندگی گفت.دیگر از رجال متعین اخیر نواب آقا حسن عم نواب آقا حسین«محمد حسین نواب»که اکنون نماینده‏ مجلس شورای ملی است و نواب شریفی-نواب آقا حسن ذو الریاستین بود مقام علمیش چنان‏ بود که بعضی او را مجتهد می‏دانستند-رتبه اعیانیت او هم بر جا بود آنچه ناگفته ماند این‏ است که صدر الممالک بعد از آنکه یزد را وطن خود قرار داد رشته دوستیش با میرزا مهدی خان‏ برقرار بود و هنوز مراسلات یا فرامین نادری که بخط او صادر می‏شده در خانواده نواب و صدر موجود است«منقول از صفحه 353-354 تاریخ یزد تألیف مرحوم امین چاپ گلبهار یزد سال 1317.»

(2)-مرحوم دکتر کاظم اسلامیه سردبیر و صاحب امتیاز روزنامه طوفان یزد درباره

مرحوم نواب از دورهء هفتم تا دوره چهاردهم نماینده مجلس بود وی علاوه بر مقام شامخی که‏ در امور سیاسی و اجتماعی داشت در ادب بویژه در سرودن رباعی استادی مسلم و زبان‏آور محسوب می‏گشت.در اینجا این اشعار بلیغ را به اقتضای حال از او نقل میکنم که مبین‏ وطن‏دوستی و شور شاهپرستی اوست به مناسبت سالروز نجات آذربایجان پرداخته اخت:

شاهنشه با عزم خردمند بزرگ‏ هر کار بتأیید و بأمر حق کرد ایران که ز خائنین سرش بود جدا سر را بگرفت و بر تنش ملحق کرد

خطاب به اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیانگذار ایران نو انشاد کرده است:

شاهنشهی که مفخر تاج و سریر شد از نو جوان ز همتش ایران پیر شد خواندنش کبیر ملت ایران شه‏پرست‏ نام کبیر در بر نامش کبیر شد

این رباعی را نیز بمناسبت فرا رسیدن چهارم آبان‏ماه سالروز ولادت با سعادت‏ اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر سروده است:

در ماه ابان نسیم نوروزی شد بهر همگی مژده به فیروزی شد در چهار آبان طلوع خورشیدی شد کز پرتو آن رفع سیه‏روزی شد

باری نواب در میان خانواده‏ای اصیل و شریف تربیت شد.در یزد نزد مشاهیر علم‏ در سنین صباوت و شباب تعلیم گرفت و با نهایت خوشنامی و نیکوکاری و عزت نزدیک‏به‏یک قرن‏ زیست تا آنکه سرانجام در بیست و سوم اردیبهشت‏ماه امسال چشم از جهان فرو بست و در جوار حرم امام‏زاده جعفر یزد مدفون گشت ارشد فرزندانش آقای یحیی نواب عضو عالی‏رتبه و دانشمند وزارت آموزش و پرورش هستند.دیگر مرحوم صادق نواب بود که از صاحبمنصبان‏ بزرگوار وزارت کشور بشمار میرفت و آخرین سمت او فرمانداری کل بندر عباس بود از قضای‏ روزگار صادق نواب چند سال پیش از این بسبب سکته قلبی درگذشت.

یک اتفاق و فرصت استثنائی

در اواخر فروردین‏ماه گذشته یک روز هنگام ظهر در اثنای عبور از خیابان مسجد جامع کبیر،اتومبیل نواب را کنار خیابان متوقف دیدم.پیش رفتم و ایشان را درحالی‏که‏ بسیار خسته بنظر می‏رسیدند زیارت کردم،بعد از سلام و ادای ادب گفتم جناب نواب می‏خواهم‏ خاطرات جنابعالی را یادداشت کنم و در صورتی که تجویز بفرمائید در مجلهء خاطرات وحید منتشر سازم.بدین جهت استدعا دارم اجازه دهید در اوقاتی که تعیین می‏کنید برای حصول‏ مقصود توفیق حضور شما حاصل کنم.ناگهان از دو چشم نواب برق شادی جست و در پاسخ من‏ قنواب فقید چنین آورده است.«نواب میرزا محمد حسین فرزند مرحوم نواب حاجی آقا علی که از نوادگان مرحوم صدر الممالک بزرگ است.در تاجگذاری نادر شاه افشار که در صحرای مغان انجام شد مرحوم صدر بدست خود تاج را بر سر نادر شاه افشار گذاشته و این‏ بزرگترین افتخاری بود که نصیب صدر الممالک گردید-وی«محمد حسین نواب»از دوره هفتم‏ قانونگذاری از طرف مردم یزد بوکالت مجلس شورا انتخاب گردیده و هفت دوره تمام بسمت‏ وکالت یزد انتخاب و در دوره چهاردهم بواسطه کسالت از وکالت کناره‏گیری کرد باز در دوره‏ پانزدهم بنا باصرار دوستان و رفقایش مجددا قبول وکالت نموده ولی هنوز چند ماهی بپایان‏ دوره مانده بود که مجددا به یزد آمده و دنباله کارهای عمرانی خود را گرفته است»منقول از شماره مخصوص طوفان یزد.